

تعریف معلولیت از دیدگاه های مختلف

نهاد های مختلف در مورد کلمه معلولیت نگاه های متفاوت دارند. در گذشته ها معلولیت را صرف از نگاه نحوه فعالیت بدنی می دیدند و هر کسی را که یک یا چند عضو بدنش نارسائی میداشت، او را شخص معلول و حتی معیوب می دانستند؛ ولی با توسعه فکر و اندیشه بشر در ساحه حقوق و آزادی های اساسی بشری و پیشرفت در سایر عرصه های علوم تجربی و اجتماعی، نگاه های دست اندرکاران عرصه معلولیت نیز متفاوت تر از نگاه های گذشته شده. در عصر کنونی دیدگاه های در مورد معلولیت از دید معلول بودن یک انسان به دیدگاه های محق بودن یا برخوردار بودن آن از حقوق و آزادی های انسانی، همسان با دیگران، متحول گردید است. از همین رو معلولیت را از دیدگاه های طبی، اجتماعی و حقوق بشری تعریف های مختلف می نمایند. امروز کلمه معیوب که پیش ازین به یک شخص دارای معلولیت طبیعی اطلاق می گردید، از ادبیات رسمی بر انداخته شده زیرا معلول بودن عیب نیست.

۱ تعریف طبی معلولیت

این تعریف، بر بارسایی بیولوژیکی، فزیک، شعوری، دماغی و مبتلا به امراض تأکید دارد. و بر نارسایی ها در انجام وظایف بدنی متمرکز میباشد. سازمان صحتی جهان در سال ۱۹۷۶ م تعریف معلولیت را به سه نوع دیگر دسته بندی نمود. که عبارت اند از: نارسایی (Imparimente) معلولیت (Disability) و متضرر ناشی از معلولیت (Handicap) بعداً (Imparimente) را هرگونه نقیصه و نارسایی فزیولوژیکی، روانی، اناتومی و یا در انجامی وظیفه بدنی تعریف می نماید. (Disability) را هرگونه محدودیت یا ناتوانی ناشی از نارسایی های فزیولوژیکی و روانی و (Handicap) را هر زیان یا ضرر که فرد بر اثر نارسایی و معلولیت متقبل میشود تعریف می نماید. به هرگونه ای که (معلولیت) از نگاه طبابت تعریف گردد باز هم روی محور نارسایی بدنی، فزیولوژیکی و روانی انسان می چرخد. منظور از تعریف طبی معلولیت این است که باید متوجه نارسایی و نقیصه بدنی، فزیولوژیکی و روانی یک شخصی دارای معلولیت شده و بتوانند با معالجه طبی انسان را صحتمند سازد تا او مانند اشخاص غیر معلول در جامعه تبارز نموده و از حقوق و آزادی های بشری خویش برخوردار گردد. مشکلی که ازین گونه تعریف طبی از معلولیت دارد این است که شخص دارای معلولیت تا احیای اعضای بدنش، از نگاه طبی، از مکلفیت ها و مسولیت های میرا دانسته شده و بنابر این بهانه ای برای محروم نگهداشتن وی از حقوق و آزادی های اساسی میسر میگردد. همچنان از نگاه حقوق بشری، به فراهم سازی محیط اجتماعی، فرهنگی و فزیک مناسبی که اشخاص دارای معلولیت بتوانند مکلفیت های اجتماعی شان را ادا نمایند توجه صورت نمی گیرد لذا در این تعریف خود شخص محور قرار میگیرد و نه رابطه شخص با محیط.

۲. تعریف اجتماعی معلولیت:

بعدها بر اثر داد خواهی مبارزان حقوق بشری، تعریف نوع طبی معلولیت با تدوین قواعد معیاری تساوی امکانات برای افراد دارای معلولیت (UN Standard Rule For the Equalization of the people with Disabilities) ۱۹۹۳ که به تصویب ملل متحد رسید، تغیر یافت حالا توجه بیشتر به زمینه های اجتماعی، که معلولیت را به بار می آورد صورت می گیرد و بین کلمه معلولیت و ضرر

ناشی از معلولیت تفاوت می‌گذارند. به این معنی که معلولیت عبارت از نارسایی فیزیولوژیکی، فیزیکی (اعضای بدن) و دماغی و روانی است در حالی که (Handicap) یا آسیب‌های ناشی از معلولیت عبارت است از دست دادن یا محدود شدن زمینه اشتراک همه جانبه شخص دارای معلولیت در امور اجتماعی است.

بنابراین چنین برداشت می‌گردد که متاسفانه محیط و جامعه با نادیده گرفتن ضرورت‌ها و مشکلات فردی اشخاص دارای معلولیت در ناتوان ساختن شان نقش دارد به این گونه معلولیت را میتوان چنین تعریف نموده.

معلولیت عبارت از حالت مواجه شدن با فرایند تقابل یک فرد دارای نارسایی جسمی، فزیولوژیکی و روانی یا مریضی با محیط و برداشت‌های محدود کننده.

چیزی که بسیار مهم میباشد این است که نارسایی جسمی و روانی نباید به ناتوانی یک شخص منتج گردد. در این جا معلولیت تبعیض اجتماعی را یک عامل عمده معلولیت می‌دانند. مطابق دیدگاه‌های اجتماعی مردم متفاوت از همدیگر پنداشته نمی‌شوند بلکه به مثابه یک جریان یا روند توأم با نوسانات است. و به سخن دیگر برداشت مردم از کلمه معلولیت به سطح آگاهی و دانش و باورهای اجتماعی و فرهنگی آنها تعلق می‌گیرد و هم اینکه مردم چگونه با اشخاص دارای معلولیت برخورد می‌کنند.

از تعریف‌های یاد شده چنین برمی‌آید که معلولیت یک تعداد عناصر فردی است که یک شخص حین مواجه شدن با جامعه و محیط دچار محدودیت‌ها شده و ظرفیت‌هایش برای اجرای یک وظیفه پایین می‌آید. که همین محدودیت‌ها و نارسایی‌ها باعث می‌گردد که اشخاص دارای معلولیت از حقوق و آزادی‌های اساسی خویش محروم گردند. محیط یک پدیده ثابت نیست، بلکه باید مطابق ضرورت افراد با در نظر داشت وضعیت جسمی و روانی شان عیار و مساعد ساخته شود، تا در امور اجتماعی سهم گرفته بتوانند.

بنابراین امروز تعریف اجتماعی معلولیت مستقیماً تعریف معلولیت از دیدگاه حقوق بشر رابطه دارد که برسهمگیری کامل و استفاده از امکانات برابر بادیگران و هم مطابق قابلیت استفاده توسط اشخاص دارای معلولیت تأکید دارد.

۳. تعریف معلولیت از نگاه حقوق بشر:

در کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت چنین آمده است. اشخاص دارای معلولیت صرف نظر از محدودیت‌های جسمی و روانی و منشا معلولیت آنها عین حقوق اساسی را دارند که دیگر شهروندان هم سن و سال شان دارند تا در حد ممکن از زندگی خوب و معمول مستفید شوند. سر انجام تلاش‌ها برای تعریف معلولیت از نگاه دسترسی به مسایل اجتماعی و محیط سازگار منتج به تعریف معلولیت از دیدگاه حقوق بشری شده. عناصر محدود کننده دسترسی اشخاص دارای معلولیت به امکانات اجتماعی و محیط سازگار با موضوع حقوق بشر بوده است که در واقع بر محروم شدن اشخاص دارای معلولیت از شمولیت کامل یکسان شان با دیگران در مورا اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بحث می‌کنند و این خود نوعی تبعیض در مقابل افراد دارای معلولیت پنداشته میشود. بر اساس همین تعریف حقوق بشری از معلولیت است که دولت‌ها مکلف می‌گردند تا قوانین ملی شانرا طوری تصویب

نمایند تا زمینه شمولیت کامل اشخاص دارای معلولیت را همسان با دیگران در تمام شئون زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تضمین نمایند. هدف از تعریف معلولیت از نگاه حقوق بشری عبارت از زیستن و دسترسی به امکانات یک جامعه اشتراکی بر اساس احترام به کرامت و تساوی تمام انسان ها، صرف نظر از تفاوت های طبیعی شان است.

در رابطه با اطفال دارای معلولیت، تعریف معلولیت از نگاه حقوق بشر چنین تاکید میدارد که نباید به طفل دارای معلولیت چنین نگاه شود که آنها ضرورت به کمک ها و مراقبت های خاص دارند بلکه در عوض باید برخورد با آنها بر اساس اصل عدم تبعیض و حق مساوی هرکس به احترام و حفظ کرامت و هویتش در جامعه باشد.

۴. تعریف معلولیت در کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت :

اشخاص دارای معلولیت شامل آنهایی می شوند که دارای ناتوانی های فیزیکی، روانی، فکری و یا حسی دراز مدت بوده و در مواجهه با موانع مختلف از مشارکت کامل و مؤثر آنها در جامعه جلوگیری می گردد.

۵. تعریف معلولیت در مسوده قانون امتیازات اشخاص دارای معلولیت جمهوری اسلامی افغانستان:

اصطلاح شخص دارای معلولیت به فردی گفته میشود که به تشخیص کمیسیون طبی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه های اجتماعی و اقتصادی گردد.